با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت



ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام نگارش (۱) دهم
درس پنجم

عنوان فصل: نوشته‌ی ذهنی (۱): جانشین‌سازی

از صفحه‌ی ۷۴ تا صفحه‌ی ۸۳ کتاب

در این فایل پاسخ فعالیت‌ها، کارهای کلاسی، تمرین‌ها و پرسش‌های فصل نوشته‌ی ذهنی (۱): جانشین‌سازی آمده است.

مباحث فصل: جانشین‌سازی، کارگاه نوشتن، هنجار نوشتار ۵، مثل‌نویسی

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

تهیه‌شده در ایران‌توشه، توشه‌ای برای موفقیت

irantooshe.ir

فهرست پرسش‌ها

۱ صفحه ۷۷ · کارگاه نوشتن ۱ — تشخیص نوشته‌ی ذهنی، عینی و جانشین‌سازی ... ۴

۲ صفحه ۸۰ · کارگاه نوشتن ۲ — نوشته‌ی ذهنی با روش جانشین‌سازی ... ۵

۳ صفحه ۸۱ · کارگاه نوشتن ۳ — ارزشیابی نوشته‌ی دوستان بر پایه‌ی سنجه‌ها ... ۶

۴ صفحه ۸۳ · مثل‌نویسی — گسترش یک مثل ۷

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

نوشته‌های زیر را بخوانید؛ ابتدا مشخص کنید کدام یک از آنها نوشته‌ی ذهنی و کدام یک نوشته‌ی عینی است. سپس معین کنید کدام متن با روش «جانشین‌سازی» نوشته شده است.

متن یک با کفش‌های بابا خوب راه می‌رم، حیف، تندتند زمین می‌خورم. بابا چطوری زمین نمی‌خوره؟! شاید هم می‌خوره. آخه یه روز لباسش خاکی بود. شاید بند کفشای بابا رو ببندم اندازم بشن. بعد برم توی کوچه، اون وقت همه ببینند که من مرد شدم. قد بابام شدم. کفش‌های مامان خوب نیستند. زود آدم رو چپه می‌کنند. شاید می‌فهمن که من مرد هستم. نمی‌دونم چرا بابا دعوا می‌کنه. می‌گه پا تو کفش بزرگترها نکن. مگه چه عیبی داره؟ بابا می‌ترسه من مرد بشم. می‌خواد من بچه باشم که سرم داد بکشه. بهم بگه جواب من رو نده. بیا پای من رو بمال. همش براش کار کنم. تمام باباها همین‌طوری هستند. دوست ندارند ما بچه‌ها مرد بشیم. کفشاشون رو قایم می‌کنند. کلاهشون رو از سرشون برنمی‌دارند. کتشان رو می‌زنند به چوب لباسی، عینکشون رو قایم می‌کنند.

متن دو اگر تمامی کتاب‌های تاریخ را ورق بزنیم تا ببینیم که اولین شعر فارسی را چه کسی سروده‌است، شاید به جواب نرسیم؛ چون اغلب این کتاب‌ها به زمانی برمی‌گردند که نشانه‌های مکتوبی پیدا شده باشد؛ مثلاً کتیبه‌ی سنگی بر سر گوری یا کتاب قدیمی یا چیزهایی از این قبیل. گروهی از تاریخ‌نویسان هم معتقدند، زرتشت پیامبر ایرانی، اولین شاعر بوده‌است. اگرچه اطلاعات دقیقی از تاریخ تولد زرتشت در دست نیست، اما برخی تاریخ‌نویسان می‌گویند او هزار سال پیش از تولد مسیح به دنیا آمده‌است؛ یعنی حدود سه‌هزار سال پیش. «گات»ها بخشی از کتاب زرتشت به نام «اوستا» است که آن را اولین شعرهای مکتوب ایران و کهن‌ترین نوشته‌ها می‌دانند. بعضی‌ها هم این بیت را اولین شعر فارسی می‌دانند: «منم آن شیر شلنبه/ منم آن ببر یله»، که وزن دارد و به شعر فارسی امروز هم شبیه است. عده‌ای هم اعتقاد دارند بهرام گور، پادشاه ساسانی، اولین شعر فارسی را در گفت‌وگویی عاشقانه با همسرش دلارام، سروده است. اما هیچ سندی برای تأیید این سخن وجود ندارد. برخی از مورخان در میان کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی نیز نشانه‌هایی از شعر یافته‌اند که البته به زبان فارسی باستان نگاشته شده‌اند. مثل نوشته‌ی زیر که بخشی از یک کتیبه است. «خدای بزرگ است اهورا مزدا/ که این بوم را داد/ که آن آسمان را داد/ که مردم را داد/ که شادی را داد مر مردم را.» البته تاریخ‌نویسان اعتقاد دارند اولین شعرهای فارسی ثبت‌شده به دوره‌ی بعد از اسلام برمی‌گردد و اولین شعر را عباس مروزی سروده‌است. نام حنظله بادغیسی هم در میان اولین شاعران فارسی است؛ کسی که این شعر را سروده است: «مهتری گر به کام شیر در است/ شو خطر کن ز کام شیر بجوی...» ابوحفص سغدی سمرقندی، فیروز مشرقی و... هم جزء اولین شاعران فارسی‌گوی هستند و قطعه‌هایی از آنها وجود دارد.

سرگذشت شعر در ایران

متن سه شاید در کفش شما هم روزی سنگ‌ریزه رفته باشد. پا را به یک طرف می‌فشرید و سنگ‌ریزه را در گوشه‌ای جا می‌دهید؛ چند قدم راحت می‌روید و به خیالات خود می‌پردازید؛ اما آن مهمان ناخوانده، از اینکه به فکر او نیستید، می‌رنجد و به جنب‌وجوش می‌افتد، نقطه‌ی حساسی پیدا می‌کند و از آنجا نیش را فروتر می‌برد. ناچار می‌ایستید و در گودی پا منزل فراخی برایش فراهم می‌کنید و با هم قرار می‌گذارید که از آن پس، مزاحم یکدیگر نباشید. دوباره رشته‌های پاره‌ی فکر را از زمین و آسمان جمع می‌کنید و در هم می‌تابید و می‌روید.

چیزی نمی‌گذرد که مهمان ناخوانده پیمان می‌شکند و دوباره به خانه‌گردی می‌پردازد؛ ولی شما به آن اعتنا نمی‌کنید و به گرفتن مرغ‌های اندیشه، خود را مشغول می‌دارید. هنوز دور نرفته، کار آزار به جایی می‌کشد که به جان می‌آیید و آن نابکار را در میان شست پا و انگشت دیگر بند می‌کنید و دائم مواظبید که نگریزد. باقی راه به جنگ با سنگ‌ریزه می‌گذرد؛ او می‌گزد و شما می‌فشارید. افکار غم‌انگیز و آشفته تا شما به خانه برسید، جانتان را مجروح کرده‌اند. وقتی رسیدید، اول با عجله و به خشونت، کفش را درمی‌آورید و ریگ را از بالای سر به زمین می‌اندازید و با نوک پا به میان حیاط، روانه‌اش می‌کنید. آیا بهتر نبود از همان اول که ریگ به کفشتان رفت، می‌ایستادید و بیرونش می‌آوردید و این همه محنت نمی‌کشیدید؟

متن	ذهنی یا عینی	جانشین‌سازی
متن یک	ذهنی	بله، با جانشین‌سازی نوشته شده است.
متن دو	عینی	خیر
متن سه	ذهنی	خیر

متن یک: نویسنده از مرز حواس بیرون رفته و خود را جای کودکی نشانده که با کفش پدرش راه می‌رود. او احساس، فکر و حرف‌های آن کودک را با لحن و زبان خود او (محاوره‌ای و ساده) بیان کرده است؛ مثلاً «قد بابام شدم» و «بابا می‌ترسه من مرد بشم». این‌ها درباره‌ی چیزی نیست که با حواس دیده یا شنیده شود، بلکه ذهنی است و چون نگاه راوی جایگزین نگاه نویسنده شده، روش «جانشین‌سازی» است.

متن دو: نویسنده اطلاعات و گزارش‌هایی تاریخی درباره‌ی نخستین شعرهای فارسی می‌دهد (نام‌ها، زمان‌ها، سندها و نمونه‌ها). این مطالب به شناخت و اطلاعات بیرونی وابسته است و بر ذهن و خیال نویسنده تکیه ندارد؛ پس نوشته‌ی عینی است.

متن سه: نویسنده سنگ‌ریزه را مهمانی ناخوانده می‌خواند و او را می‌رنجد، می‌گزد و پیمان می‌شکند؛ یعنی از ذهن و خیال کمک گرفته و نوشته‌ی ذهنی است. اما نویسنده خودش را جای سنگ‌ریزه نگذاشته و از نگاه او نمی‌نویسد، بلکه از دید کسی که کفشش سنگ‌ریزه دارد (با مخاطب «شما») می‌نویسد. بنابراین با روش جانشین‌سازی نوشته نشده است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲ صفحه ۸۰ کارگاه نوشتن ۲

موضوعی را انتخاب کنید و با به‌کارگیری روش جانشین‌سازی، یک متن ذهنی بنویسید.

موضوع: .....

موضوع: برگ زردی که از درخت جدا می‌شود.

پرسش‌هایی که پیش از نوشتن از خود می‌پرسم: اگر من یک برگ پاییزی بودم، چه احساسی از جدا شدن از شاخه داشتم؟ از بالا چه چیزهایی می‌دیدم؟ از باد، از درخت و از کودکی که مرا برمی‌دارد چه فکر می‌کردم؟

من برگی هستم که تمام تابستان روی بلندترین شاخه‌ی این درخت خوابیده بودم. صبح‌ها شبنم صورتم را می‌شست و ظهرها آفتاب مرا سبزتر می‌کرد. من و برگ‌های دیگر دور هم می‌خندیدیم و باد را قلقلک می‌دادیم. اما پاییز که آمد، رنگم عوض شد. دیگر سبز نبودم؛ زرد شده بودم. دلم می‌لرزید. شاخه‌ی مهربانم، که تمام تابستان مرا در آغوشش نگه داشته بود، کم‌کم دستش را شل کرد. امروز باد آمد و آرام گفت: «وقت رفتن است.» ترسیدم. چشم‌هایم را بستم. دیگر شاخه را حس نمی‌کردم. می‌چرخیدم و پایین می‌رفتم. زمین از دور، مثل فرشی طلایی بود. روی خاک نشستم. کودکی دوید و مرا برداشت. گفت: «چه قشنگی!» و لای کتابش گذاشت. فهمیدم که افتادن، پایان نیست. من حالا لای کتاب، سالی دیگر هم می‌مانم و درخت، بهار که شد، برگ‌های تازه می‌آورد. شاید یکی از آن‌ها، دوباره من باشم.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir

۳ صفحه ۸۱ **کارگاه نوشتن ۳**

به نوشته‌ی دوستانتان، که خوانده می‌شود، با دقت گوش دهید و آن را بر پایه‌ی سنجه‌های زیر ارزشیابی کنید. ردیف ۱: خلق نوشته با روش جانشین‌سازی (۳) ردیف ۲: انتقال دقیق حالات و ویژگی‌های شیء یا فردی که به جای او سخن گفته شده است (۳) ردیف ۳: مناسب بودن ترتیب بیان رخدادها (۲) ردیف ۴: رعایت انسجام در نوشته‌ی ذهنی (۲) ردیف ۵: پرهیز از نگارش جمله‌های طولانی (۲) ردیف ۶: استفاده از واژه‌های مناسب فضای متن (۳) ردیف ۷: شیوه‌ی خواندن (۲) ردیف ۸: رعایت املا و نکات نگارشی (۳) جمع‌بندی (۲۰)

برای نمونه، یکی از هم‌کلاسی‌ها متن کوتاه زیر را با موضوع «مداد» می‌خواند:

من یک مدادم. هر روز در جعبه‌ی مداد می‌خوابم و صبح که می‌شود، دست صاحبم مرا برمی‌دارد. همه‌ی حرف‌های او را روی کاغذ می‌نویسم. وقتی سرم تیز می‌شود، خوشحال می‌شوم؛ اما هر بار کوتاه‌تر می‌شوم. شاید یک روز تمام شوم، ولی حرف‌هایم روی کاغذها می‌ماند.

- **۱) روش جانشین‌سازی (۳ از ۳):** خود را جای مداد نشانده است.
- **۲) انتقال حالات مداد (۲ از ۳):** شکل و رنگ مداد نیامده است.
- **۳) ترتیب بیان رخدادها (۲ از ۲):** ترتیب درست است.
- **۴) انسجام نوشته‌ی ذهنی (۲ از ۲):** جمله‌ها به هم مربوط‌اند.
- **۵) پرهیز از جمله‌های طولانی (۲ از ۲):** جمله‌ها کوتاه و روان‌اند.
- **۶) واژه‌های مناسب (۲ از ۳):** واژه‌ها احساسی‌تر می‌شد.
- **۷) شیوه‌ی خواندن (۲ از ۲):** رسا و با مکث خوانده شد.

- **۸) املا و نگارش (۳ از ۳):** غلط املایی دیده نشد.
- **جمع‌بندی: ۱۸ از ۲۰**

پس از ارزشیابی، نمره‌ها را با نویسنده در میان می‌گذاریم و پیشنهاد می‌دهیم برای رسیدن به نمره‌ی کامل، ویژگی‌های بیشتری از مداد (مثل رنگ و شکل آن) و احساس‌های دیگرش را بنویسد.

۴ صفحه ۸۳ مثل‌نویسی

مثل‌های زیر را بخوانید، سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

هر که در پی کلاغ رَوَد، در خرابه منزل کند. دل که پاک است، زبان بی‌باک است. خفته را خفته کی کَند بیدار؟

زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد. درخت هر چه بارش بیشتر می‌شود، سرش فروتر می‌آید.

مثل انتخاب‌شده: درخت هر چه بارش بیشتر می‌شود، سرش فروتر می‌آید.

معنا: انسان‌های بزرگ و دانا هر چه بیشتر یاد می‌گیرند و بهتر می‌شوند، فروتن‌تر می‌شوند.

در باغ پدربزرگ، درخت‌های زیادی هست. بهار که شد، همه‌ی درخت‌ها سربلند بودند و شاخه‌هایشان را به آسمان می‌بردند. تابستان که گذشت، شاخه‌ها پر از میوه شدند. هر چه میوه‌ها سنگین‌تر می‌شدند، شاخه‌ها بیشتر خم می‌شدند؛ تا جایی که می‌شد میوه‌ها را با دست چید. پدربزرگ گفت: «ببین! درخت هر چه بارش بیشتر می‌شود، سرش فروتر می‌آید.» پرسیدم: «یعنی چه؟» گفت: «درخت با میوه‌هایش به همه می‌بخشد و تکبر نمی‌کند. آدم‌ها هم باید همین‌طور باشند. معلم‌ها و دانشمندانی که بیشتر می‌دانند، به همه محترمانه سلام می‌کنند و از هر کسی چیزی یاد می‌گیرند. اما کسی که کم می‌داند، گاهی خودش را بالاتر از همه می‌بیند.» آن روز فهمیدم دانایی و فروتنی با هم‌اند. من هم می‌خواهم مثل آن درخت، هر چه بیشتر یاد می‌گیرم، مهربان‌تر و فروتن‌تر باشم.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

irantooshe.ir